خبر

آغاز به کار دفاتر حمایت از حقوق زنان و کودکان در سراسر استان

دفاتر حمایت از حقوق زنان و کودکان در دادگستری های سراسر استان افتتاح شد. رئیس کل دادگستری گلستان گفت: حمایت از حقوق زنان و کودکان بزه دیده و بزهکار و تسریع در روند رسیدگی پرونده های این قشر از اهداف تشکیل این دفاتر در شهرستان هاست. هادی هاشمیان افزود: اعضای این دفاتر از افراد باسابقه در رشته های مددکاری اجتماعی، حقوق و روانشناسی هستند.

ادامه یادداشت

فصلی نو با جوانگرایی

محروم وحتی اداره بخش ها وروستاهابراساس تخصص،تمایل به تعامل ومداراجویی وخردبه جای دوری از احساسات قبیلگی ،نبوغ آنها در برنامه های اقتصادی واستعداشان در کارآفرینی و دهها موارد دیگر خود شاهدی بر این مدعاست که با توجه به این پتانسیل پرشوروکارساز،نادیده گرفتن نقش جوانان در بدنه اجرایی دولت دوازدهم در استانها ومناطق محروم خود ضربه ایی به برنامه های این دولت وآسیبی جدی به رابطه کل جامعه با دولت تدبیر وامید خواهد بود. دولت دکتر حسن روحانی حاصل کورسوی امید نسل جوان در فضایی است که از هر سو عوامل ناامید کننده بر روح جوانان هجوم می آورد. اتفاق بزرگی که در سال ۹۲ رخ داد در جهت احقاق یک مطالبه بنیادین اجتماع بود؛ جلوگیری از سقوط پر شتاب شاخص های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران، اما در سال ۹۶ چرا جوانان به دولت روحانی اقبال نشان دادند؟ جوانانی که تا پیش از سال ۹۲ تامین نیازهای اولیه حداقلی خود را با مخاطرات فراوانی مواجه می دیدند، از دولت اول روحانی مطالبه ای جز فراهم ساختن زمینه های بازگشت کشور به مسیر رشد و رونق را نمی توانست؛ انتظار داشته باشند. حضور پررنگ و موثر جوانان در ستادهای انتخابی دکتر روحانی در سال ۹۶ گواه آن است که دولت یازدهم علیرغم تمام مشکلات و موانع، از عهده تحقق مطالبه بنیادین جوانان به خوبی برآمده است. اما مطمئنا مطالباتی از جنس دیگر در انتظار دولت دوم روحانی خواهد بود. به عنوان مثال اگر عدم کامیابی جدی دولت در ایجاد تغییرات فضای محدود و بسته پیشین دانشگاه ها با توجیه تمرکز دولت بر حل بحران های عمیق سیاسی و اقتصادی تحمل می شد، اما از دولت دوازدهم انتظار جدی رفع این محدودیت ها می رود. این انتظار تنها حاصل تحمیل نیازهای اجتماعی نیست، بلکه نتیجه وعده های انتخاباتی شخص دکتر روحانی در جریان مبارزات انتخاباتی می باشد. در جریان این مبارزات مردم خواسته ها و نیازهای خود را با ایجاد فضای گفتمانی که یکی از جلوه های روشن آن شعارهای انتخاباتی باشد، بیان کردند و رئیس جمهور منتخب، نه تنها مهر تاییدی بر حقانیت این مطالبات زد که خود در جهت اشاعه و ترویج آنها سخت کوشید. در این فضا دیگر نمی توان و نباید نقش محوری جوانان و دانشجویان را نا دیده و یا کم اثر تلقی نمود بلکه اتخاذ تصمیم های حساس و تاریخی مانند استفاده از یک وزیر جوان متولد سال ۱۳۶۰ به عنوان فتح باب جوانگرایی، میتواند مقدمه ای برای ترسیم عملی فضای اعتماد بخشی به جوانان این مرز و بوم همچون تجارب موفق و ماندگار دهه اول انقلاب اسلامی باشد. در فضای جدید و بر اساس واقع گرایی حاصل از وضع موجود دیگر نمیتوان از جوانان و دانشجویان انتظار داشت که به همان حداقل مطالبه بنیادین خود در دولت قبل که فراهم ساختن کمینه شرایط ثبات و امنیت اقتصادی و اجتماعی در جهت تامین نیازهای اولیه زندگی انسانی بود، بسنده کنند. فضای پویا و پرنشاط فرهنگی درفضای دانشگاهی، افزایش تعامل نهاد های نظارتی با فعالین حوزه جوانان و دانشجویی، بازگرداندن عدالت نسبت به جایگاه بانوان و جوانان در فعالیت های اجتماعی و سیاسی، اهتمام به اجرایی نمودن حقوق شهروندی، توجه بیش از پیش به جوانان اقوام و فراهم ساختن عرصه فعالیت نهادهای مدنی و مردم نهاد در جامعه برخی از مهمترین مطالباتی هستند که فعالین حوزه جوانان و دانشگاه بطور جد در جهت تحقق آنها آماده و حاضر به همکاری با مجموعه ارکان نظام مانند سنوات گذشته هستند؛ بنابراین جوانان و دانشجویان ایرانی، علاوه بر مهمترین مطالبه خود که کمرنگ شدن مشکلات اقتصادی وبه خصوص مسئله اشتغال که خود عامل اصلی بروز معضلات دیگری چون پایین آمدن نرخ ازدواج و افزایش طلاق و اعتیاد است، خواهان مشاهده تغییرات عمده در رویکردهای مسئولین دولتی در قبال مسائل بیان شده هستند. این انتظار به حقی است که جوانان خواهان تحول در لایه مدیران دولتی باشند. حضور چهره هایی که علاوه بر همراهی با ارزش های خط امام (ره) و انقلاب، از امتیازاتی چون جوانی و توانمندی بر اساس تخصص و تعهد نیز برخوردار باشند.

دانش آموخته حقوق و فعال مدنی

نسخه الکترونیکی شناسنامه مهارت آموزی دانش آموزان ایجاد می شود

معاون وزیر آموزش و پرورش گلستان از ایجاد نسخه الکترونیکی شناسنامه مهارت آموزی دانش آموزان مقطع متوسطه با همکاری وزارت آموزش و پرورش و تعاون، کار و رفاه اجتماعی خبر داد. علی زرافشان در گفتگو با مهر اظهار کرد: بحث آموزش مهارت یک مطالبه ملی در نظام آموزشی کشور است که هم در فرمایشات مسئولان ارشد نظام و هم در اسناد بالادستی بر آن تاکید شده است. وی با تاکید بر اینکه دانش باید از مقطع ابتدایی تا متوسطه حداقل یک مهارت را آموزش ببینند، افزود: با حضور وزیر آموزش و پرورش و قائم مقام وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی از طرح ایران مهارت رونمایی شد. معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش ادامه داد: در راستای اجرای این طرح (طرح ایران مهارت) از شناسنامه مهارت آموزی دانش آموزان پایه متوسطه اول (هفتم، هشتم و نهم) رونمایی شد. وی تصریح کرد: این فعالیت در جهت تحقق آن مطالبه ملی است و دانش آموزان هم با مسائل مهارتی آشنا شده و هم آن را یاد بگیرند. زرافشان خاطرنشان کرد: آموزش و پرورش برای تحقق این موضوع درسی به نام کار و فناوری را برای دانش آموزان از پایه ششم تا پایه نهم اجرا می کند. وی با یادآوری اینکه در این درس دانش آموزان پودمان های آموزشی دارند که این پودمان ها مهارتی است، بیان کرد: در ادامه این فعالیت در دوره اول متوسطه این موضوع طراحی شده که با همکاری اداره کل فنی و حرفه ای استان گلستان هر دانش آموز دوره متوسطه اول یک شناسنامه داشته باشند که بیانگر دوره های آموزشی و ساعات آن باشد. وی اضافه کرد: همکاران تلاش می کنند به زودی این شناسنامه در سامانه آموزش و پرورش و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تعریف شده و نسخه الکترونیکی آن ایجاد شود.

کارت هوشمند ملی از سال آینده الزامی است

رئیس اداره ثبت احوال گنبدکاووس با بیان اجرایی شدن خدمات از طریق کارت هوشمند ملی ازسال آینده گفت: کلیه کسانی که تاریخ اعتبار کارت ملی آنها تا پایان امسال منقضی شود، از سال آینده نمی توانند خدماتی از دستگاه های دولتی نظیر بانک ها و اداره ثبت اسناد بگیرند. به گزارش ایرنا، غلامحسین مهماندوست در نشست شورای هماهنگی ثبت وقایع حیاتی شهرستان گنبدکاووس از کسانی که تاکنون نسبت به تعویض کارت ملی و درخواست کارت هوشمند ملی اقدام نکرده اند درخواست کرد با مراجعه به دفاتر پیشخوان و سایر مراکز در نظر گرفته شده برای این امر، نسبت به دریافت کارت ملی هوشمند اقدام نمایند. وی با بیان اینکه صدور کارت هوشمند ملی از سال ۹۲ آغاز شده و قرار نیست فرآیند تعویض کارت ملی فرسایشی باشد، خاطرنشان کرد: از سال آینده و با اجرایی شدن شناسایی افراد با کارت هوشمند ملی در ادارات و نهادهای دولتی، احراز هویت با کارت های ملی فعلی که تاریخ اعتبار آنها به پایان رسیده باشد، ممکن نخواهد بود. وی تصریح کرد: تصاویر این افراد از سامانه ثبت احوال برداشته شده و برای ادارات دولتی نظیر بانک ها، ثبت اسناد و املاک کشور و حتی آموزش و پرورش برای ثبت نام دانش آموزان، احراز هویت فرد مراجعه کننده مقدور نخواهد بود و به تبع آن خدماتی نیز نمی توانند به متقاضی دریافت خدمت ارائه دهند.رئیس اداره ثبت احوال گنبدکاووس با درخواست از آموزش و پرورش و بخشداری ها برای همکاری در صدور کارت هوشمند ملی و عکسدار کردن شناسنامه ها و تعویض آنها در صورت نیاز، برای دانش آموزان و روستاییان خاطرنشان کرد: این آمادگی وجود دارد که عوامل اجرایی ثبت احوال در مدارس حاضر شده و نسبت به انجام مراحل اداری کار در محل اقدام کنند.وی گفت: تا پایان شهریور امسال ۱۱۸ هزار و ۶۶۴ درخواست کارت هوشمند مکلی در اداره ثبت احوال گنبدکاووس ثبت شده که معادل ۵۲ درصد واجدین شرایط است و از این مقدار ۱۱ هزار کارت ملی در اداره ثبت احوال موجود است که افراد متقاضی نسبت به تحویل گرفتن آن اقدام نکرده اند.وی افزایش دفاتر پیشخوان ارائه کننده خدمات ثبت احوال از جمله صدور کارت هوشمند ملی و تعویض شناسنامه، راه اندازی ایستگاه های سیار برای ارائه خدمات به کسانی که قادر به مراجعه حضوری نیستند، صدور مجوز ارائه خدمات ثبت احوال برای آن دسته از دفاتر ICT روستایی که مجوز ارائه خدمات دفاتر پیشخوان را اخذ کنند و انجام تبلیغات تلویزیونی را از جمله تمهیدات در نظر گرفته شده برای تشویق مردم به دریافت کارت هوشمند ملی ذکر کرد.مهماندوست خاطرنشان کرد: هزینه های قانونی نسبتا بالای صدور کارت هوشمند ملی (۳۱۰ هزار یال) از جمله عوامل استقبال محدود مردم برای دریافت این کارت است و ثبت احوال گنبدکاووس برای کمک به مردم نسبت به حذف هزینه ۲۵ هزار ریالی پیش ثبت نام اقدام کرده و به صورت رایگان خدمات مربوطه را ارائه می کند.وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ثبت وقایع حیاتی در گنبدکاووس در ششماهه اول امسال گفت: در این مدت چهار هزار و ۵۶۹ واقعه ولادت ثبت شده که نسبت به مدت مشابه پارسال ۱۰ درصد کاهش نشان می دهد و ۹۹/۹۹درصد آنها در مهلت مقرر قانونی ثبت شده است.رئیس اداره ثبت احوال گنبدکاووس از ثبت ۷۳۲ واقعه وفات در نیمه اول امسال خبر داد و گفت: مرگ بر اثر بیماری های قلب و عروقی، سرطان ها و تومورها و نیز حوادث غیرعمدی به ترتیب بیشترین موارد ثبت فوتی های امسال را تشکیل می دهند.

مهمترین هدفم توسعه همه جانبه گلستان است

استاندار جدید گلستان با بیان این که از تمام ظرفیت ها برای توسعه گلستان بهره خواهد گرفت مهمترین هدف خود را توسعه همه جانبه استان معرفی کرد. سید مناف هاشمی در گفتگو با مهر رفع موانع تولید، حمایت از سرمایه گذاران و ایجاد اشتغال پایدار را از برنامه های خود برای توسعه همه جانبه گلستان اعلام و اظهار کرد: برای توسعه و ایجاد شغل باید از سرمایه گذاران داخلی و خارجی حمایت کرد. وی با تاکید بر این که حمایت از تولید و سرمایه گذاری باعث اشتغال پایدار می شود، این اقدام را فرصتی برای کاهش مشکلات اقتصادی گلستان و ارتقاء جایگاه درآمدی استان در کشور دانست و گفت: از سرمایه گذاران داخلی و خارجی در بخش های مختلف مانند گردشگری، کشاورزی، صنعت و معدن به صورت ویژه حمایت می شود. استاندار گلستان داشتن برنامه اجرایی برای توسعه را ضروری دانست و افزود: برنامه توسعه ای در ابعاد ۶ ماهه و بلند مدت ارائه می شود. هاشمی حمایت و همراهی همه بخش های استان را برای حرکت به سمت توسعه ضروری دانست و ضمن انتقاد از وضعیت زیرساخت های سرمایه گذاری در گلستان تصریح کرد: در گام نخست تلاش می کنیم زیرساخت ها و شرایط را برای ورود سرمایه گذاران فراهم کنیم تا گلستان به عنوان مقصد سفر گردشگران و مسافران تبدیل شود. وی با تاکید مجدد بر اینکه باید از همه ظرفیت ها و همه گروه ها در جهت توسعه گلستان بهره ببریم، گفت: برای تحقق این مهم نگاه و رویکرد اعتدالی خواهیم داشت و تلاش می کنیم اهل سنت و اقوام و همچنین گروه های مختلف را در این حوزه پای کار بیاوریم. وی با بیان اینکه در حوزه توسعه گلستان همچنین باید به توسعه صنایع تبدیلی کوچک و بزرگ به ویژه بخش کشاورزی توجه داشته باشیم، تاکید کرد: در تحقق اهداف توسعه ای در گلستان بنگاه های کوچک در شهرها و روستاها باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند و تلاش می کنیم با رایزنی بخش خصوصی و بانک ها با پرداخت تسهیلات این حوزه را تقویت کنیم.

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی برگ تشخیص مالیات

در اجرای ماده ۲۰۸ قانون مالیات های مستقیم مصوب اسفند ماه سال ۱۳۶۶ بدینوسیله حل اختلاف مالیاتی با مشخصات زیر به برگ / برگ های تشخیص با مشخصات زیر به مودی /مودیان ذیربط ابلاغ می گردد تا ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ درج این آگهی به اداره امور مالیاتی مربوطه مراجعه و نسبت به حل و فصل پرونده و تسویه حساب مالیاتی اقدام نمائید، در غیر اینصورت طبق موازین قانونی اقدام خواهد شد.

ردیف	شماره پرونده	نام و نام خانوادگی مودی	شماره شناسنامه ثبت	شماره و تاریخ برگ تشخیص	منبع مالیاتی	دوره سال عملکرد	در آمد و یا ماخذ مشمول مالیات به ریال	اصل مالیات به ریال	شماره واحد مالیاتی	نشانی اداره امور مالیاتی
۱	۲۵۰۷	احمد زحمتکش	۲	۹۶/۱/۵-۷۴	مشاغل	۱۳۹۰	۵۲۴/۰۵۰/۷۴۱	۱۴۱/۰۵۵/۰۱۰	۶۴۷۱۲۱	مینودشت-خ شهید علیرضا
۲	۸۰۲	عبدالوهاب دیبایی	۱۸۰۵	۹۵/۱۰/۹-۳۷۲۸۲	مشاغل	۱۳۹۳	۲۰/۰۲۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۶۴۷۱۲۱	مینودشت-خ شهید علیرضا
۳	۲۰۹۶	محمد رسول زادگان	۱۸۰۲	۹۵/۰۸/۲۲-۳۱۳۰۶	مشاغل	۱۳۹۳	۵۳/۷۷۴/۱۲۵	۹/۲۴۴/۰۷۰	۶۴۷۱۲۱	مینودشت-خ شهید علیرضا
۴	۴۶۵	پرویز احسانی	۱۳۶۰۹	۱۳۹۶/۰۳/۱۹-۷۰۱۳	مشاغل	۱۳۹۱	۱۷۳۹۴۵۸۶۹۴۸	۹۵۰۱۸۸۱۳۰	۶۴۵۱۲۳	آزادشهر-خ شهید بهشتی

رئیس امور حسابرسی مالیاتی کد ۶۴۰۷ گرگان – سید حسن سادات

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی هیئت حل اختلاف

در اجراء ماده ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه سال ۱۳۶۶ بدینوسیله حل اختلاف مالیاتی با مشخصات زیر به رای هیات / آراء هیات حل اختلاف مالیاتی با مشخصات زیر به مودی / مودیان ذیربط ابلاغ می گردد تا ظرف مهلت مقرر در قانون مالیاتهای مستقیم به اداره امور مالیاتی مربوطه مراجعه و اقدامات قانونی بعدی را در جهت تسویه حساب مالیاتی بعمل آورند. بدیهی است در صورت عدم مراجعه طبق موازین قانونی اقدام خواهد شد.

ردیف	شماره پرونده	نام و نام خانوادگی مودی	شماره شناسنامه ثبت	شماره و تاریخ برگ رای	مرجع صدور رای	منبع مالیاتی	سال عملکرد	در آمد یا ماخذ مشمول مالیات	شماره واحد مالیاتی	نشانی اداره امور مالیاتی
۱	۷۹	امیر حسین تاتاری		۱۳۹۶/۰۶/۱۳-۱۵۵۵۱	بدوی	مشاغل	۱۳۸۹	۱۱,۹۹۹,۹۹۹	۶۴۰۵۴۴	گرگان - خ ولیعصر - عدالت ۸
۲	۷۹	امیر حسین تاتاری		۱۳۹۶/۰۶/۱۳-۱۵۵۵۱	بدوی	مشاغل	۱۳۹۰	۲۳,۹۹۹,۹۹۸	۶۴۰۵۴۴	گرگان - خ ولیعصر - عدالت ۸
۳	۷۹	امیر حسین تاتاری		۱۳۹۶/۰۶/۱۳-۱۵۵۵۱	بدوی	مشاغل	۱۳۹۱	۱۱,۹۹۹,۹۹۹	۶۴۰۵۴۴	گرگان - خ ولیعصر - عدالت ۸

رئیس امور حسابرسی مالیاتی کد ۶۴۰۷ گرگان – سید حسن سادات

آگهی‌های ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آراء هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی کردکوی تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است . لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و بعد از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱– آقای منصور سیرتی فرزند غلامعلی به شماره شناسنامه ۴۷۷ صادره زابل کد ملی ۳۶۷۱۴۹۳۵۷۷ در ششدانگ اعیانی به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه ان وقف عام است به مساحت ۱۴۴/۴۵ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۰۹۹۹ –۹۶/۶/۳۰کلاسه پرونده ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۳۵۹

۲– خانم آسیه صفری فرزند حسن به شماره شناسنامه ۸۹۹ صادره گرگان کد ملی ۲۱۲۰۶۳۸۹۵۰ در ششدانگ اعیانی به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه ان وقف عام است به مساحت ۴۱۴/۴۸ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۱۰۰۰ –۹۶/۶/۳۰کلاسه پرونده ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۶۰۷۰

۳–آقای سید علی رضیعی فرزند سید رحمت اله به شماره شناسنامه ۳۰۸۷ صادره کردکوی کد ملی ۲۲۴۹۸۶۹۹۶۰ در ششدانگ اعیانی به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه ان وقف عام است به مساحت ۱۹/۷۷۹ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی طبق رای اصلاحی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۱۰۰۲ –۹۶/۸/۱۰کلاسه پرونده ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۰۳۰

۴–آقای حسین نوری فرزند پیروردی به شماره شناسنامه ۲۶ صادره مینودشت کد ملی ۴۸۱۹۶۵۰۷۴۱ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۴۲۷/۳ متر مربع پلاک ۸۰ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی اراضی روستای ایلوار یکدانگه طبق رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۰۹۹۷ –۹۶/۶/۳۰ کلاسه پرونده ۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۱۲۴

۵–آقای علی محمد یوسفی فرزند غلام به شماره شناسنامه ۳۰۹ صادره بهشهر کد ملی ۲۱۸۰۷۹۱۵۲۶ در ششدانگ اعیانی به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که بقیه ان وقف عام است به مساحت ۱۷۲/۳۹ متر مربع پلاک ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی طبق رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۱۰۰۱ –۹۶/۶/۳۰کلاسه پرونده ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۲۹۶

تاریخ انتشار نوبت اول : ۹۶/۷/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۶/۸/۸
عبدالرحمن ایری – کفیل ثبت اسناد و املاک شهرستان کردکوی – م.الف–۸۵۸۷

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است، دارای پلاک ۱۱۶۷۲ فرعی از ۳ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی اوزینه به مساحت ۱۰۸,۳۵مترمربع ملکی آقای مهدی بیکی فرزند حسین ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخه ۱۳۹۶/۸/۱۷ در محل وقوع ملک واقع در گرگان ـ شهرک سپاه ـ چناران ـ روبروی چناران ۶ ـ کدپستی ۴۹۱۵۸۳۹۹۵۹ بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاور یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی در ملک مذکور حقی برای خود قائل است می تواند ظرف سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان تسلیم و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تقدیم اعتراض به اداره ثبت، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و رسید آن را ارائه نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می¬تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۷۵۴ م الف

www.golshanemehr.ir نسخه اینترنتی روزنامه گلشن‌مهر

خبر

تبلیغات در کشور مطلوب نیست

نماینده ولی فقیه در گلستان گفت: ابزارهای تبلیغاتی که ما از آن برخورداریم، متناسب با شرایط جامعه نیست. به گزارش مهر، آیت الله سید کاظم نورمفیدی در همایش سراسری رؤسای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی اظهار کرد: همگان اهمیت مقوله تبلیغات را می‌دانند اما ابزارهای تبلیغاتی که ما از آن برخورداریم، متناسب با شرایط جامعه نیست. وی با بیان این که ابزارهای رسانه‌ای بزرگ دنیا در اختیار رژیم صهیونیستی است، افزود: ابزارهای تبلیغاتی که ایادی شیطانی در اختیار دارند، سبب قدرت آن ها شده است، در غیر این صورت آنها نمی‌توانستند نقشه‌های خود را عملی کنند. آیت الله نورمفیدی اظهار کرد: متناسب با آنچه که امروز و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دست آمده، شرایط مطلوبی در امر تبلیغات نداریم، برای همین در این حوزه نیازمند تحولات اساسی و بنیادین هستیم. وی عملکرد و رفتار مسئولان را جزو مظاهر انقلاب اسلامی دانست و ادامه داد: رفتار مسئولان مهم‌ترین ابزار تبلیغاتی است، وقتی مردم با مظاهر انقلاب یعنی مسئولان نظام و سلامتی آن ها مواجه شوند انقلاب ما بیمه خواهد شد.امام جمعه گرگان خاطرنشان کرد: تبلیغات باید مطابق با شرایط زمان باشد، یکی از معجزات انبیای الهی این بود که شیوه صحبت با مردم را می شناختند. وی با بیان این که عمل بهترین مروج اسلام است، گفت: نزدیک به نیمی از جمعیت کشور امام خمینی(ره) و انقلاب را ندیده‌اند و باید با تبلیغ آن ها را معرفی کرد. آیت الله نورمفیدی خاطرنشان کرد: شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی باید برای مدارس و دانشگاه‌ها برنامه داشته باشد و دستاوردهای انقلاب اسلامی و برکات نظام را تبلیغ کند.وی اظهار کرد: باید در کتاب‌های درسی مباحث مربوط به انقلاب اسلامی با وجه به شرایط سنی دانش‌آموزان گنجانده شود.

مناف هاشمی به عنوان استاندار جدید گلستان انتخاب شد
پایان هفتمین دوره استانداری گلستان

با تصویب پیشنهاد وزارت کشور در هیأت وزیران سید مناف هاشمی به عنوان استاندار گلستان انتخاب شد. به گزارش مهر، سید مناف هاشمی صبح چهارشنبه در جلسه هیئت دولت به عنوان هشتمین استاندار گلستان انتخاب و جایگزین دکتر صادقلو شد. وی که دکترای برنامه ریزی شهری دارد، از مدیران دولت های سازندگی و اصلاحات و پیش از این معاون شهردار تهران، معاون وزیر ورزش و جوانان در دولت اعتدال و... بوده است. وی متولد ۱۳۴۶ در شهرستان نکاء از استان مازندران است. هاشمی تحصیلات خود را در مقطع فوق لیسانس در انستیتوی کارولینسکا سوئد در رشته شهرسازی به پایان رساند و موفق به اخذ گواهینامه دکتری از این دانشگاه شد. وی پیش تر معاونت توسعه و پشتیبانی و جانشینی وزارت ورزش و جوانان را بر عهده داشت.

دستگیری سارقان ۳۰ موتورسیکلت در گلستان

فرمانده انتظامی گلستان از انهدام باند ۴ نفره ای که اقدام به سرقت ۳۰ دستگاه موتورسیکلت از نقاط مختلف استان کرده اند خبر داد. به گزارش ایرنا به نقل از فرماندهی انتظامی استان، سردار علی اکبر جاویدان گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت موتورسیکلت، شناسایی و دستگیری سارقان به صورت ویژه در دستور کار ماموران پلیس آگاهی قرار گرفت. به گفته وی؛ پس از دو هفته کار اطلاعاتی و پلیسی و تحت نظر گرفتن سارقان حرفه ای و سابقه دار و استفاده از دوربین های مدار بسته در نهایت سارق اصلی و سرکرده باند شناسایی و با هماهنگی مراجع قضائی دستگیر شد. وی اضافه کرد: سارق اصلی این باند چهار نفره دارای سوابق متعدد کیفری به اتهام سرقت خودرو و موتورسیکلت بوده و خرداد ماه امسال از زندان آزاد شده بود. سردار جاویدان ادامه داد: این متهم که اعتیاد شدید به مصرف مواد مخدر دارد در تحقیقات تخصصی و ارائه شواهد و مدارک از سوی ماموران به جرم خود اقرار و به ۳۰ فقره سرقت موتورسیکلت اعتراف کرد. فرمانده انتظامی گلستان تصریح کرد: دیگر اعضای این باند طی چند عملیات جداگانه دستگیرو با تلاش ماموران از تمامی صحنه های سرقت بازسازی صورت گرفت.

فلسفه‌ی نیچه از نگاه زرتشت

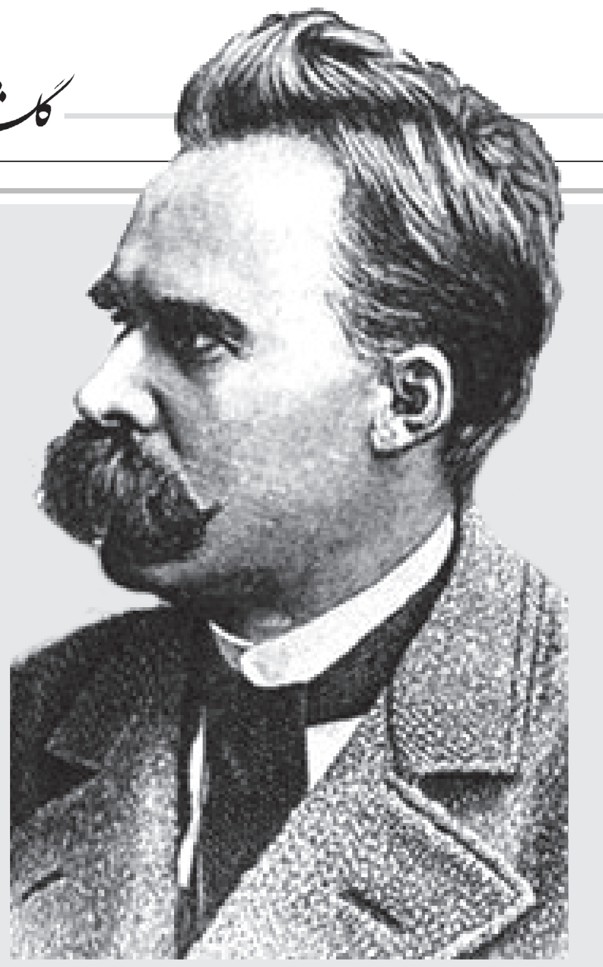

ایمان مطلق ارانی * بسیاری نیچه را به غلط تنها به عنوان شاعری بزرگ و نویسنده ای ژرف میشناسند و بسیاری وی را فیلسوفی بزرگ که از الهام بخشان پست مدرنیسم و منتقد روایتی از مدرنیسم است میدانند.اما نیچه هر دوی این صفات را در خود جمع کرده و به راستی فیلسوفی ژرف اندیش با نثری شاعرانه است. علت فیلسوف ندانستن نیچه در نزد خشک اندیشان همانا تفاوت شیوه ی نگارش او به نسبت پیشینیان خود و همچنین پدید نیاوردن فلسفه ای نظام ساز به مانند فلاسفه ای چون کانت و هگل است که همانا خود این مسئله نیز مدخلی برای پیدایش روش جدیدی در فلسفه شد .

به نظر راقم این سطور، علت نگارش آثاری که نیچه از خود به جای گذاشته است تنها یک دلیل عمده است که این را در تک تک آثار وی میتوانیم بیابیم، به باور نیچه نهیلیسم (هیچ انگاری – نیست انگاری) به مانند سمی مهلک در بدن بشریت رسوخ کرده است و وی را روز به روز بیمارتر و نحیف تر میکند و نهیلیسم کنونی تنها نمونه ی آشکار آن است که به باور نیچه تاریخش را از افلاطون و افلاطون گرایی و به سبب آن فلسفه ای که تماماً افلاطونی است و مسیحیتی که برساخته از اندیشه های افلاطون است میگیرد. از همین روی نیچه فلسفه ی خود را افلاطون گرایی وارونه میخواند: «فلسفه ی من افلاطون گرایی وارونه شده: هر چه از موجود حقیقی دورتر،آن خالص تر، زیباتر و نیکوتر است. زندگی در ظاهر همچون غایت»(۱) در این میان دو سوال طرح میشود که باید به آن نیز پاسخ داد، نخست آنکه منظور نیچه از نهیلیسم چیست؟ –که نیچه خود در کتاب اراده ی قدرت در قسمت نخست به توضیح آن میپردازد–هایدگر به صورت خلاصه به درستی میگوید:«منظور نیچه از نیست انگاری امر واقع تاریخی، یعنی آن رویدادی است که عالی ترین ارزشها خود را بی ارزش میکنند، که هر مقصدی از میان رفته است و همه ی ارزیابی ارزش ها به ضد یکدیگر بدل میشود.»(۲) و سوال دوم را باید این دانست که منظور از وارونه کردن افلاطون گرایی چیست؟« وارونه کردن افلاطون گرایی، نخست، به این معناست: متزلزل کننده ی تقدم امر فراحسی به مثابه امر ایده ال. موجود، آنچه که آن هست،نباید بر حسب آنچه باید باشد و میتواند باشد ناچیز انگاشته شود. اما در عین حال وارونه کردن در تعبیر مخالف با فلسفه ی امر ایده آل، مخالف با تعیین امر لازم شده یا ضروری و امر لازم حاکی از این است:پژوهش و تعیین آنچه که عبارت از این پرسش است: خود موجود چیست؟ اگر امر ضروری امر فراحسی است، پس تنها نفس موجود – آنچه آن هست – که در وهله ی نخست فارغ از اجبار فهمیده میشود، میتواند امر حسی باشد..... امر حقیقی امر حسی است. زندگی خلاق بر ضد نیست انگاری است، به عبارت دیگر هنر باید نخست در اثر نشانده شود؛ آفرینش هنری با توجه به امر حسی است.»(۳)

در این نوشتار قصد من این است که با فرض اصل قرار دادن کتاب «چنین گفت زرتشت» – که خود نیچه آن را ژرف ترین کتاب خود حتی در آخرین زمانهای هوشیاری خود میداند–نگاهی به کلیت فلسفه ی نیچه داشته باشم.×

زرتشت نیچه نیز به مانند دیگر پیامبران روزی از کوه پائین آمده×و اولین کاری که میکند بتهای زمان خود را شکسته و بر علیه موعظه گران مرگ و مفسدین وقت به پا میخیزد. حال باید پرسید که این موعظه گران مرگ از نظر نیچه کیستند؟ نیچه معتقد است که این موعظه گران مرگ کسانی هستند که زمین را و این زندگی حسی را باور ندارند و آن را اصل نمیپندارند و به ازای آن زندگی فرا حسی و جهانی جز این زندگی را نوید میدهند، نیچه که اینان را زاهد نیز میخواند باور دارد که اینان خار شمارندگان زمین هستند و با اتکا به وجود حقیقتی مطلق فرا حسی به جنگ با این زندگی واقعی میپردازد»او (زاهد) درست همان جا به دنبال خطا خواهد گشت که همانا غریزه ی زندگی بی چون و چراتر از هر جا حقیقت را بر مینهد. او به مانند زاهدان فلسفه ی ودانتا، جسمانیت را به وهم فرو خواهد کاست،و همچنین درد،کثرت، و تمامی آنتی تز مفهومی (سوژه) و (ابژه) را خطا خواهد شمرد و خطا اندر خطا! باور به من خویش را انکار خواهد کرد و (واقعیت) وجود خود را نفی – وه که چه پیروزی ای! »(۴)

نیچه به طور متاکد از این واعظان و زاهدان نام میبرد و همچنین در کتاب تبارشناسی اخلاق که اثری پسینی نسبت به چنین گفت زرتشت است بخشی را در نقد آنان می نگارد، اینان همانا دین فروشان و متدینینی هستند که حافظ در شعری خطاب به آنان میگوید:

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت / که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت
من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش / هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

زرتشت نیچه خطاب به یاران خود با لحنی پیامبران چنین میگوید:« برادران، شما را سوگند میدهم که به زمین وفادار مانید و باور ندارید آنانی را که با شما از امیدهای ابر زمینی سخن میگویند... اینان خوار شمارندگان زندگی اند و خود زهر نوشیده و رو به زوال، که زمین از ایشان به ستوه است... روزگاری کفران خدا بزرگترین کفران بود. اما خدا مرده است و در پی آن این کفر گویان نیز بمردند. اکنون کفران زمین سهمگین ترین کفران است و اندرون ی آن (ناشناختنی) را بیش از معنای زمین پاس داشت. « (۵)

و یا در جایی دیگر چنین میگوید:« بیماران و میرندگان بودند که تن و زمین را خوار داشتند و مَلَک ملکوت و قطره های خون باز خرنده را ساختند» (۶)

نیچه باور دارد که این ضعف و ناتوانی و البته ترس بوده است که اندیشه هایی نظیر، خوار شماری این دنیا، باور به جهانی برتر و فرا زمین و نظیرهم را پدید آورده است و حال که بشر پی به پوچی این باورها برده است دچار یاس و ناامیدی–که از سرچشمه های اندیشه های نیست انگارانه است – شده است. « اگر فیلسوفی هیچ انگار تواند بود، از آن روست که هیچی را در پس همه ی آرمانهای انسان یافته است. و نه تنها هیچی را– که هیچی و پوچی را،بیهودگی را، بیماری را،ترسویی را، خستگی را،و همه گونه دُرد را در جام به ته رسیده ی زندگی اش...»(۷)

آری، نیچه در برابر چنین اندیشه های دهشتناکی است که فرمان «آری گویی»×به زندگی واقعی و هر آنچه در خود دارد و « نه گویی» به هر آن اندیشه ای که سبب پوچی برای بشر است را میدهد. و با لحنی این چنین دست به واژگونگی تمام ارزشهایی که تا کنون بوده است میزند: « مرد بیدار دانا میگوید: من یکسره تن هستم و جز آن هیچ، و روان تنها واژه ایست برای چیزی در تن. تن خردیست بزرگ؛ کثرتی با یک معنا؛ جنگی و صلحی؛ رمه ای و شبانی.»(۸) و در اینجاست که نیچه مهمترین چیزی که در فلسفه برایش از اهمیت برخوردار است را آغاز میکند یعنی « ارزش گذاری» .

نیچه در ابتدا با نقد ارزشهای تا کنونی و به دست دادن آغاز و نوع پیدایش آنها ما را با مخاطرات آن آشنا میسازد و سپس ارزشگذاری و نوع ارزشگذاری جدید را به ما میاموزاند. مباحث نیچه را در خصوص اصل قرار دادن هستی، زندگی و انسان را مختصر از سر گذراندیم، حال با توجه به آخرین متن، با نظریه ی اضداد و صیرورت که یکی دیگر از اندیشه های اساسی نیچه است –که میتوان گفت این اندیشه را وامدار هراکلیتوس است–× آشنا میشویم. نیچه نیز چون هراکلیتوس معتقد است که جهان در حال صیرورت است و هستی جمعی از اضداد را در خود دارد. از این اندیشه بر می آید که وی انسان و هستی را نه چیزی چون موجودی ثابت و لا یتغیر بلکه بالعکس موجودی و یا چیزی متحرک و در حال دگرگشت و شُدن میداند. پس به نسبت همین اندیشه، ارزشهایی که نیچه برقرار میکند نیز همیشه در حال تغییر و تبدیل است چرا که ارزشگذاران ارزشها نیز باید این چنین باشند.» دگرگشت ارزش ها، یعنی دگرگشت آفرینندگان. آنکه می باید آفریدگار باشد، همیشه نابودگر نیز هست.» (۹) و یا در جایی دیگر مینویسد:» هر چه را که بیافرینم و هر چه عاشق آن باشم، باز به زودی میباید دشمن او و عشق خود شوم: اراده ام چنین میخواهد.»(۱۰)

نظریه ی «بازگشت جاویدان» نیچه نیز در پیوند مستقیم با همین اندیشه است که از جمله پیچیده ترین مفهومهایی است که در فلسفه ی وی وجود دارد و به قول هایدگر اساس فلسفه ی متافیزیکی وی است. نیچه در قسمتهای مختلفی به توضیح این مسئله میپردازد، فرضاً از زبان زرتشت میشنویم که میگوید:« ای روان من،تو را آموخته ام که چنان بگویی (امروز) که میگویی (روزی)و (روزگاری)، و از روی تمامی این جا و آنجا و فراسو، چرخ زنان برقصی و بگذری. « و یا در جایی دیگر جانورانش به او می گویند: «بدان که ما میدانیم تو چه میآموزانی. تو می آموزانی که همه چیز جاودانه باز میگردد و ما خود نیز با آنها. و ما تا کنون بی شمار بار بوده ایم و همه چیز با ما بوده است. «نیچه بر این باور است که هستی و هستندگان نیز همیشه –به صورت جاویدان– در حال فراشد هستند؛به مانند سالی که بهار و تابستان و پائیز و زمستانی دارد و دوباره سال از نو آغاز میشود با همان خصوصیات کلی و این بازگشت به صورت جاودانه ادامه خواهد داشت. پس آفریدگاری که نیچه مد نظر دارد آفریدگاری هراکلیتوسی و نه چون تاریخ فلسفه –در معنایی بالاتر تاریخ اندیشه و انسان– پارمنیدسی –افلاطونی است. نیچه برای اینکه مفهوم آفریدگار ارزشهای جدید را برای ما مشخص کند از مثال هنرمند استفاده میکند چرا که هنرمند به واسطه ی اثری که خلق میکند به گونه ای بهترین مثال را میتواند برای مفهوم آفریدگار داشته باشد اما این مثال تنها یک مثال نیست بلکه در عین حال یک گشایش به تفکر نیچه است، چرا که نباید فراموش کرد که هنر در آرای نیچه از حقیقت ارزشمندتر است. اما پیش از آنکه به مفهوم هنرمند از آن لحاظ که آفریدگار است بپردازیم لازم است که با دو مفهوم دیگر از مفاهیم فلسفه ی نیچه یعنی مفهوم «اراده»×و «ابرانسان»×بیشتر آشنا شویم؛ چرا که از کنار هم قرار دادن این مفهوم در کنار مفاهیم پیشین یاد شده ما درک صحیحتری از هنرمند آفریدگار نیچه خواهیم داشت. اراده از نظر نیچه چیزی جز اراده ی قدرت نیست، حتی وی تا به آنجا پیش میرود که اراده را با قدرت یکی میگیرد. نیچه مینویسد: «آنجا که موجود زنده را دیدم. خواست قدرت را دیدم و در خواست بنده نیز جز خواست سروری ندیدم.»(۱۱) « تنها آنجا که زندگی باشد خواست نیز هست. اما نه خواست زندگی، بل خواست قدرت: تو را چنین می آموزانم! «(۱۲)×پس اراده از آن لحاظ که در خود مفهوم قدرت را نیز حمل میکند و از آنجا که میل به قدرت ایستا نیست، پس اراده چیزی را طلب میکند که فراتر از چیزی است که در حال حاضر است بنابراین اراده فراتر از خود بودگی است و اراده کردن فراتر از خود رفتن است و در این فراتر از خویش بودگیست که مفهوم پیشرفت و آینده را برای ما متبادر میکند و این معنا همان چیزی است که درست در تقابل با مفهوم پوچی و بی معنایی قرار میگیرد و از همین روی نیچه بارها و بارها در چنین گفت زرتشت میگوید که انسان چیزیست که باید به او چیره شد که این چیره شدگی به معنای گذر کردن او از هستی کنونی خویش و فراتر از خویش رفتن است. در اینجاست که نیچه به اختراع و یا اگر بهتر بخواهیم بگوئیم به معرفی دو نوع از انسان دست میزند «انسان واپسین » و «ابرانسان» . پیشتر گفتیم که انسان چیزیست که باید بر آن چیره شد، حال باید دانست که انسان در میانه ی این دو نوع انسان قرار دارد. انسان واپسین برابر نهاد یا انتی تز ابر انسان و در تقابل با او قرار دارد، وی خسته از زندگی است و بدون کوچکترین ریسکی در زندگی به دنبال راحتی و امنیت خویش است. زرتشت درباره ی او میگوید:» دردا، زمانی فرا رسد که از انسان دیگر اختری نزاید. دردا، زمانه ی خوار شمردنی ترین انسان فرا میرسد؛ انسانی که دیگر خود را خوار نتواند شمرد..... انسانی که همه چیز را کوچک میکند. نسل او،همچون پشه، فناناپذیر است. «۱۳

نیچه به روایتی دموکرات خواهان و سوسیالیست ها را نماینده ی بارز این نوع میداند،کسانی که به هر طریقی خواهان برابری و یا به قول نیچه هواداران اخلاق حیوان گله ای هستند۱۴.

حال در آن طرف انسان، نیچه ابر انسان را قرار میدهد، انسانی که با شوری دیوانه وار و با سرمستی۱۵ تمام، پیش به سوی پیروزی و برتری و با اخلاقی خداتبارانه و آری گوی به هستی و زندگی و به دور از خرافه و ترس باید وارد هستی شود، در واقع زرتشت نیچه، بشارت دهنده ی این نوع از انسان است که در آینده خواهد زیست و حتی از نژاده بودن او و تحولات فیزیکی او نیز صحبت به میان میاورد که تنها با خوانشی غلط از همین جریان بود که عده ای این فرض را بر آن گذاشتند که حزب نازی با فرض قراردادن نژاد آریایی ۱۶به عنوان نژاد برتر قصد بر پدید آوردن ابرانسان داشتند.

حال وقت آن رسیده است که به مثال هنرمند باز گردیم و این ادعا که هنرمندی که نیچه مد نظر دارد به معنای عامی که ما از هنرمند مستفاد میکنیم نیست بلکه مثالی برای توضیح و واضحتر شدن فلسفه ی وی است. نیچه معتقد است که هنر آن چیزیست که ماده ی محرک زندگی، شکلی از اراده ی قدرت, آری گوی به امر حسی و در تقابل و مخالف نیست انگاری و در نتیجه تثبیت کننده ی عالیترین ارزشهای نوین است؛ پس در نتیجه هنرمند آن آفرینشگر ارزشهای نوینی است که در اثر هنری خود تمام اینها را به ظهور برساند بدون آنکه نیاز باشد که در آفرینش خود، خود در گیر و دار نظم سلسله مراتبی کرده باشد . او در اولین اثر خود« زایش تراژدی» به توضیح و تشریح هنر میپردازد، وی معتقد است که هنر چون دو خدای موسیقی یونان(دیونوسوس و آپولون) دارای دو جنبه است که از تلفیق این دو به بالاترین شکل خود میرسد. آپولون مظهر تصور و دیونوسوس نماد اراده است ، امر دیونوسوسی مستی آور و امر آپولونی رویایی است. نیچه بر این باور است که همانطور که موجودات محصول دو جنس مخالف هستند هنر نیز باید اینگونه باشد. دیونوسوس خدای شراب،باروری، حاصلخیزی و وجد و سرمستی است و آپولون خدای آفتاب و سامان و رویاست و از ترکیب آن هاست که هستی به بالاترین درجه ی خود آن میرسد(در هنر به سبک فاخر). نیچه برای هنر ریشه ای طبیعی قائل است و هنر نزد او نه تقلید از طبیعت× بلکه تمثیلی برای زایش هنر است. هایدگر در توضیح هنر نزد نیچه مینویسد:« از نظر نیچه هنر آن شیوه ی اصلی است که در آن موجودات برای آنکه موجود باشند آفریده میشوند. زیرا آنچه مهم است این جنبه ی آفرینندگی، قانونگذاری بنیادگذاری شکل هنر است.»۱۷ در واقع هنری که نیچه آنرا معرفی میکند نظام بخش فلسفه ی وی است،بدین معنا که تمام مباحثی که نیچه در فلسفه اش مطرح میکند را میتوان از درک هنر و مثال هنرمندی که نیچه طرح کرده است فهمید.

امکانات و مرزها

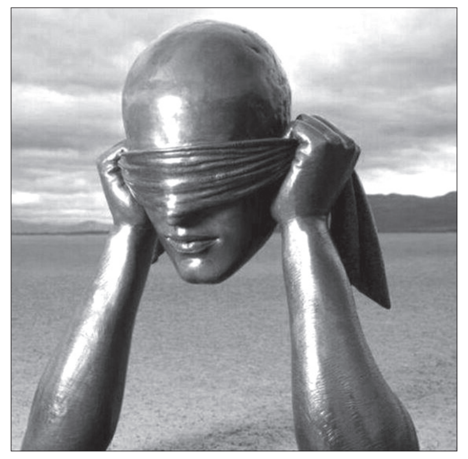

احسان پروین * در نگاه اشعری‌مسلکان، فیلسوفِ دین همچون پرومته‌ای است که آتش را از سرزمین خدایان می‌رباید و به دست انسان‌ها می‌سپارد تا بر علیه آنان قیام کنند. نمادی از تجاوز به حریمی قدسی که تفحص در آن همچون قیامی تعبیر می‌شود. از سوی دیگر بسیاری کسان هم وجود دارند که بدون تغییر محسوسی در روند کلی ماجرا و البته بدون دست یازیدن به تعابیری همچون پرومته، فعالیت فیلسوف را در این حوزه مطلوب و حتی ضروری قلمداد می‌کنند. اما فیلسوف، صرف‌نظر از تمثیل‌ها و قضاوتی که می‌توان بر مبنای آن داشت، اساسا مسائل این حوزه از اندیشه را چگونه و در چه بستری می‌تواند طرح می‌کند؟ نگاهی که باید اتخاذ کند تا در این حوزه به طرح مسائل و اندیشه‌ورزی بپردازد، چه مختصاتی دارد؟

آنچه در ابتدا جلب توجه می‌کند، شکافی است که مخاطب بین فلسفه و دین درک می‌کند. بیش از آنکه وی فلسفه‌دین را وضعیتی خاص و منفرد تعبیر کند، بدین سو می‌گراید که با دو حوزه روبرو است. در این میان البته قائلان به رویکرد اول می‌توانند اعتراض کنند و خود را زیر سایه‌ی دیگری ندانند. بدین معنا که فلسفه‌دین استقلال و یگانگی خود را داراست. از طرف دیگر هر یک از این رویکردها می‌تواند مختصات خاصی را برای حوزه دین و فلسفه قائل باشد. تمایز، تعارض، تلاقی و یا تایید – که البته هر یک دارای شعب مختلفی است – می‌تواند بیانگر وضعیت‌های بین دین و فلسفه باشد. به طور کلی، فارق از اینکه ارتباط میان این دو حوزه چگونه می‌تواند باشد و از این رهگذر آیا فلسفه‌دین وضعیت معناداری دارد یا خیر، باید امکان ارتباط میان آن دو را بررسی نمود. به منظور ایضاح مسئله و برای شروع عموما به تاریخ هر یک از حوزه‌ها رجوع می‌شود. در مورد دین، از آنجا که سیطره‌ی مسائل و پژوهش‌های دینی عموما در ارتباط با دین مسیحیت است، پس رجوع به سرآغاز تحولات فلسفه‌دین نیز به حدود بیست قرن پیش بازمی‌گردد؟ اما به صرف پرداخته شدن مسائل یک دین خاص و فراگیر شدن مباحث آن، می‌توان اندیشه‌ورزی دینی را بر مبنای آن تعریف و مرزبندی نمود؟ باید متوجه شده باشید که برای ردگیری نمودن فلسفه‌دین لزومی ندارد در سنت دینی خاصی غور کرد. اما این موضوع درمورد فلسفه نیز مطرح است، بطوریکه عموما برای ردگیری نمودن ریشه‌های فلسفه‌دین نیز ما به همان نواحی و اندکی پیش‌تر در حدود بیست‌وپنج قرن قبل بازمی‌گردیم. نکته‌ی حائز اهمیتی که باید دوباره آن را در هیبت فلسفه متذکر شویم این است که اگر منظور از فلسفه، معنای اعم آن و تمایل به اندیشیدن باشد، نمی‌توان محق بود برای رجوع به فلسفه الزاما باید به یونان باستان و عهد پیشاسقراطی رجوع کرد. کما اینکه نمی‌توان ادعا کرد پیش از این دوره و در نواحی دیگر خبری از این تمایل نبوده است. بنظر می‌رسد برخلاف تمام قیل‌وقال‌های آزادی‌خواهانه، جریان خاصی از اندیشه‌ورزی غالب شده است و اساسا جوامع، درگیر تحجری معرفت‌شناسانه شده‌اند.

صورت‌بندی‌های فکری و مسائل آغازین هر منطقه‌ی فکری مسلما دارای تفاوت‌هایی است. با تمام این اوصاف اگر منظور از فلسفه، معنای خاص آن و اشاره به خاستگاه یونانی آن است، چنین نکته‌ای موضوعیت خود را از دست خواهد داد. مسئله‌ی دیگری که باید به آن توجه نمود، معطوف به تحویل هرگونه فعالیت مرتبط در تاریخ اندیشه و دین به حوزه فلسفه‌دین است. برای پرداختن به ریشه‌های تاریخی مسائل فلسفه‌دین می‌توان به سرآغاز ادیان رجوع نمود اما این امر دلیلی به دست نمی‌دهد تا افراد و اندیشه‌های تاریخی را به ضرب دَگَنک در دسته‌بندی‌های امروزی قرار دهیم. دسته‌بندی‌هایی که در عمر کوتاه فلسفه‌دین در شکل فنی خود، به تدریج ساخته و پرداخته شده‌اند. می‌توان ریشه‌های هر اندیشه‌ای را تا زمانی دور ردگیری نمود اما دلیلی ندارد پنداشته شود اندیشمندان آن زمان آگاهانه تمام فعالیت خود را در چارچوبی امروزی از اندیشه، صورت‌بندی کرده‌اند.این جنس از پنداشت، حالتی متجاوز دارد؛ تجاوز به دیدگاه‌ها و تلاش برای استحاله‌ی آنان. با توجه به این رویکرد و درغلتیدن در آن، فضا برای آن دسته از جریان‌های فکری و دینی که از آنها غفلت شده است و اساسا دیده نشده‌اند بسته نمی‌شود. بسیاری از تحولات، حوادث و اندیشه‌ها ممکن است در نگاهی که خود را محصور مسیحیت و اندیشه غربی – به عنوان مثالی از نگاهی خاص – نکرده است، نقشی در فلسفه‌دین بیابند و متعاقبا دسته‌بندی و جریان‌های جدیدی را در حوزه فلسفه‌دین ایجاد کنند. دسته‌بندی و جریان‌هایی که زاده‌ی نگاهی نو به امکانات فکری این حوزه از اندیشه هستند. با این توضیحات برای رجوع به محل‌هایی که در آن احتمال ارتباط میان حوزه دین و فلسفه هست، لزومی ندارد سراغ فیلون اسکندرانی برویم و مسائل معمول آن حوزه را بررسی کنیم. البته باید توجه داشت میان مسائل مناطق مختلف فکری و دینی اشتراکاتی می‌توان یافت، اما بررسی تاریخی فلسفه‌دین در بستری کمتر پرداخته شده،نیاز به پژوهش فکری مضاعفی می‌طلبد. میتوان از تجربیات موجود در این حوزه بهره گرفت اما نمی‌توان انتظار داشت مسائل با خاستگاه متفاوت، پرداخت یکسانی بطلبند. ادیان به دلیل تنوعی که دارند به حدی که مانع از تعریفی جامع و مانع از دین میشود، نه تنها مسائل متفاوتی را دارند، بلکه نحوه‌ی برخورد هر یک از آنها با حوزه‌ی اندیشه را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر تفاوت صورت‌بندی اندیشه‌های مناطق مختلف فکری نیز مشاهده می‌شود. برای ایضاح مطلب باید به سراغ مسئله‌ای در حوزه دین رفت که کمترین امکان برای یافته شدن مشترکاتی در سایر حوزه‌های دینی داشته باشد و هرچه بیشتر وجه ممیزه‌ی آن باشد. البته نمی‌توان از ارتباطات و پیوستگیهای ظریف مسائل دینی مختلف غافل بود. مسائل هر حوزه‌ایی فارغ از تنوعات موجود با یکدیگر عموما مراوده‌های معنایی و تاریخی دارند. به عنوان مثال دین بومی اقوام ترک و مغول آسیای مرکزی را عموما شَمَنی دانسته‌اند: آنان تَنگری یا آسمان‌خدا را برترین می‌شمردند؛ او اصل نرینه‌ای بود که با زمین مادینه متوازن می‌شد. امروزه در میان ترکمن‌های مسلمان که تعدادی از آنان در ایران نیز سکونت دارند، از واژه‌ی تَنگری برای اشاره به خدای اسلام استفاده می‌شود. اما ساده‌لوحانه خواهد بود که این شباهت تنها در لفظ و واژه محدود شود. دقیقا در مثال‌هایی از این دست می‌توان رگه‌هایی از امکانات متفاوت صورت‌بندی‌های فکری در طرح مسائل را در عین داشتن ارتباطات و مراوداتی میان آنها مشاهده نمود. دینی که در آن سبک زندگی و توانایی‌ها و مهارت‌های متناسب با آن، تنیده با مسائل معنوی بوده و حتی نقش شعائر دینی را داشته است، مسائل دینی قابل طرحِ‌نسبتا متفاوتی در اندیشه‌ورزی دینی در مقایسه با ادیان توحیدی خواهد داشت. لب کلام این‌که در این پهنه‌ی فراخ از اندیشه‌ها و مسائل دینی، هنگامی که صحبت از برخوردها و مراودات می‌شود، باید متوجه بود که لازمه‌ی چنین وضعیتی، وجود تمایزاتی در صورت‌بندی‌های فکری است. باید تفاوتی باشد تا مراوده معنا یابد. همانطور که ادیان متفاوتی شناخته شده‌اند که در نسبتی خانوادگی با یکدیگر به سر می‌برند، تفکراتی نیز وجود دارند که چارچوب متفاوتی با یکدیگر دارند که البته آنها نیز در نسبتی خانوادگی قرار دارند. آیا اقتضائات صورت‌بندی فکری حرکت جوهری ملاصدرا در مواجهه با دین، امکان طرح همان مسائلی را خواهد داشت که صورت‌بندی فکری شک‌گرایی ؟ بهتر است در کنار پرداختن به مسائل فلسفه‌ی دین به صورت خاص، به این توجه شود که اساسا مسائل این حوزه چگونه امکان طرح شدن را دارند و اقتضائات بررسی این مسئله چه خواهد بود. و در این راه عطف توجه به مناطق فکری مختلف و مرزهای سیال هر کدام دریچه‌ی خوبی برای ورود خواهد بود.

معرفی کتاب

تاریخ زشتی
اومبرتو اکو

کتاب «تاریخ زشتی» اثر اومبرتو اکو با ترجمه هما بینا و کیانوش تقی‌زاده انصاری در ۴۰۱ صفحه با قیمت ۳۴۵۰۰ تومان توسط انتشارات فرهنگستان هنر (متن) منتشر شد. اومبرتو اکو پس از نگارش کتاب «تاریخ زیبایی»، درصدد برآمد با سبک و سیاقی مشابه، نوشتاری را نیز به «تاریخ زشتی» اختصاص دهد. او در این کتاب کوشیده است در هیات یک نشانه‌شناس، فیلسوف، و مورخ ایده‌ها و مفاهیم گوناگون زشتی را در ادوار مختلف گردآوری کند. کتاب «تاریخ زشتی» بعد از مصاحبه فرانسوا بونل با اومبرتو اکو با ۱۵ فصل همراه است: زشتی در جهان کلاسیک؛ شیفتگی، مرگ، شهادت؛ روز قیامت، دوزخ، و اهریمن؛ هیولاها و نشانه‌های منحوس؛ زشت، مضحک، و شرم‌آور؛ زشتی زن از دوران باستان تا دوره باروک؛ اهریمن در دنیای مدرن؛ جادوگری، شیطان‌پرستی، سادیسم؛ فیزیکا کوریوسا؛ رمانتیسم و رستگاری زشتی؛ ناشناخته؛ برج فولادی و برج عاج؛ جنبش‌های پیشتاز و پیروزی زشتی؛ زشتی دیگری، کیچ و کمپ؛ زشتی در روزگار ما.

خانه‌ی ملانصرالدین علم بهتر است یا ثروت؟

ماجرای علی دایی و بیژن عبدالکریمی

علی نجات غلامی * مدتی پیش بریده‌ای از گفته‌های آقای بیژن عبدالکریمی، فراوان در شبکه‌های مجازی دست به دست شد که در آن وضع اقتصادی خودش چونان استاد فلسفه را مقایسه‌ای کرده بود با وضع مالی علی دایی فوتبالیست. الان خبری دیدم که نوشته بود «علی دایی و جواد خیابانی در دکترای رشته‌ی جامعه‌شناسی ورزش در دانشگاه آزاد قبول شده و همکلاسی شدند». دوستی سالها پیش ضرب‌المثلی گفت که واقعاً کنون به کار آید. می‌گفت «زندگی‌مان شده است خانه ملانصرالدین، از درون خودمان را می‌سوزاند، از بیرون دیگران را!». گویا ملانصرالدین قرن‌ها قبل از معماران نولیبرالیست کشف کرده بود که مهم‌ترین رکن خانه دکوراسیون خارجی‌اش است! بچگی‌ها موضوع انشاء علم بهتر است یا ثروت داشتیم که الان که به حد کافی در این شهر مصرف‌زده بزرگ شده‌ایم فهمیده‌ایم القصه هر دو خانه‌ی ملانصرالدین‌اند. هر کدام را که برگزینی از درون خودت را می‌سوزاند از بیرون آن یکی را که آن یکی را برگزیده است. الان توی ذهن عبدالکریمی طبعاً این می‌گذرد: «اگر این ثروت را فقط مقداری من می‌داشتم علم و فلسفه را چقدر که با نشر کتب و مجلات و موسسات جلو نمی‌بردم!»

و ذهن علی دایی: «کیا مدرک می‌گیرن؟! مدرک رو من باید می‌گرفتم که نشون بدم چها که نمی‌شه کرد!»

اینکه علی دایی می‌رود دکترا بخواند، نشانه‌ها – خاصه در دانشگاه آزاد بودن‌اش – حاکی از این‌اند که الان نه می‌خواهد در حوزه‌ی جامعه‌شناسی ورزش نظریه بدهد و نه اینکه با مدرکش شغلی گیر بیاورد. احیاناً مسئله یک گزیر از سرکوفت است که این مدرک را ببرد بکوبد توی صورت آنهایی زر مفت می‌زنند. از آن طرف آقای عبدالکریمی قطعاً آگاه هست که تولید راستین علم، کار دل است و اگر کرور کرور پول هم خرج موسسات بشود چیزی از دلشان در نمی‌آید. می‌گویید نه بروید از صدها موسسه‌ی بودجه‌مند یا اصلاً دانشکده‌های پرطمطراقی که مشغول تولید علم بومی و غیربومی‌اند پیمایش به عمل بیاورید. پس این حکایت جامعه‌شناسی خواندن فوتبالیست و گزارشگر فوتبال و از آن سو اشارت استاد فلسفه به وضع مالی فوتبالیست چیست بجز «اصطکاک نماهای بیرونی خانه‌های ملانصرالدینی»؟! در این جامعه‌ی مصرف‌زده که همه چیز به نمادهای مصرفی حول چیزها فروکاسته شده است، دانشمند و ورزشکار و هر آنکسی که در تبادل نشانه‌ها برجسته می‌شود، اساسا از خود بیگانه است. او چه غرق در ثروت انبوه شود و چه غرق در تشویق‌ها در مقام دانشمند و فیلسوف، از درون غمگین است. زیرا جهانی که در آن است بنیاد خود را از دست داده است و مهم‌تر اینکه ابژه‌اش – خود علم و خود ثروت – در نمایش نمادهای حول آن، سرکوب شده است. اگرچه روشن است که حرف عبدالکریمی در یک کلیت بیان شد و ابداً ناظر به حسرت مال دنیا نیست و حسرتی اگر بود در خصوص فقدان بودجه برای کار علمی نهادینه و آسایش مقدماتی در آن بود، اما این نکته را می‌گویم که آنکس که به فلسفه حقیقتاً دچار است دلیلی ندارد که در حسرت پولی ولو برای ترویج فلسفه باشد. تفکر است دیگر، می‌اندیشی و ارائه می‌دهی حال هر جایی که شد. به‌طور شخصی هم ماهی دو سه میلیون می‌تواند خرج خانواده باشد که با تدریس و ترجمه و تألیف به هر حال به دست می‌آید. دلیلی هم ندارد استدلال شود این بی پولی دال بر زوال فلسفه در جامعه‌ی ماست؛ فلسفه، غایت در خود است و چه فارابی باشی که بی پول رشد کرد و چه بوعلی که ثروتمند زاده شد، آخرش مردن در اوج فقر است و طعنه‌های اخوی و عموزادگان تاجر و حتی همکلاسی‌هایی که بازاریابی با علم را به موقع یاد گرفتند. حال از آن سو، مشکل اینجاست که این آکادمی خودشیفته هنوز تصور می‌کند محلی از اعراب در تفکر برایش باقی مانده است. این بنگاه‌های مدرک‌پراکنی را دخلی به خود معرفت نیست. چه اگر دخلی داشتند این ماجرای تلخ پیش نمی‌آمد که فوتبالیستی که خودش بخشی از تاریخ جامعه‌شناسی ورزش است عوض اینکه موضوع مطالعه باشد و یا اساساً اگر فن بیانی دارد مستقیم و بی‌واسطه برود سرگذشت و عقاید و تجارب خودش را طی لکچرهایی ارائه دهد، بایستی در یک نظم بوروکراتیک دنبال دکتری گرفتن در یک جامعه‌ی نمایشی باشد. دایی فرد کم‌اهمیتی نیست، در همین رشته‌ی جامعه‌شناسی ورزش می‌توان گفت دایی و تیمی که خاصه سال ۹۸ در آن بود تأثیرات اجتماعی عظیمی برجای گذاشتند. قبل از مذاکرات ظریف، این فوتبال بود که مرزهای جهان را بر اجتماع ما گشود و مراودات و مناسبات اجتماعی پیچ و تابهای تازه‌ی بسیار مهمی یافت. همین مقوله موضوع چندین جلد کتاب در همین رشته است. یا اینکه دایی از هر استادی می‌تواند بهتر تاریخ تحولات اقتصاد ورزش، پیکربندی اجتماعی فوتبال، منطق‌های قانونی و فراقانونی داد و ستد، مصرف‌زدگی، زندگی روزمره‌ی ایلیت شدن و غیره را تبیین کند، البته اگر مدتی زبان آکادمیک را دریابد که آنهم باید در معیت اساتید و در کارگاه‌های تحقیقی باشد نه در مقام دانشجو در این پلکان پاس کردن واحدهای تشریفاتی! اما عوض اینکه گروه جامعه‌شناسی ورزش سراغ دایی‌ها برود و درباره‌ی آنها تحقیق کند، باید دایی برود آنجا واحد پاس کند! حتی اگر دایی واقعا عاشقانه رفته باشد درس بخواند هم نظم تدریس در فضای مدرک‌زده دانشگاه طوری است که خواه ناخواه دایی نیز به سمت واحد پاس کردن و اینکه پولی بدهد دو نمره رد شود، با رویی فلانی به فلانی بیاندازد که مقاله را کوتاه بیاید و یا کلاس‌ها را نیاید و غیره کشانیده می‌شود. واقعاً اندکی اگر دوراندیشی وجود می‌داشت قهرمانان باسابقه و تأثیرگذار ورزشی عوض اینکه وارد فضاهای بوروکراتیک و تکنوکراتیک شوند و حتی در فضاهای سیاسی و شورای شهر و حتی سریال‌های ملودرام حضور مسکوت به هم رسانند، در کنار مربی‌گری عملی به گونه‌ای جذب محیط‌های آکادمیک ورزشی می‌شدند و در معیت اساتید آرام آرام زبانی آکادمیک می‌یافتند و مطالعه می‌کردند و در مقام لکچرر و کمک‌استاد و حتی در آن صورت طی سپری کردن دوره‌ها و با گرفتن مدارک لازمه، در مقام استاد به ارائه‌ی تئوریک داشته‌ها و تجارب و تحلیل و نقد و خودانتقادی می‌پرداختند. قطعاً این تنها پایان زیبایی است که یک قهرمان بازنشسته می‌تواند برای سال‌های واپسین عمرش داشته باشد. وگرنه زنده زنده دفن شدن در یک قصر، پایان «همشهری کین» «همه‌ی این زندگی‌های ایلیتی است که فقط آن روزهای پایانی و تنهایی می‌فهمند که در پس آنهمه تشویق، «نوگلادیاتوران» آوردگاهای نمایش بودند.